

بازتعریف دین در زندگی روزمره‌ی زنان دانشجو در تهران*

زهره سلیمانی علویجه^۱، محمدرضا پویافر^۲، خدیجه ذوالقدر^۳

چکیده

امروزه شاهد تغییرات اساسی در زندگی روزمره و دینداری زنان دانشجو هستیم، که از جمله مصادیق بارز آن عدم تمایل بخشی از زنان جامعه به داشتن حجاب در اماکن عمومی است. از این رو پژوهش حاضر با هدف مطالعه‌ی بازتعریف دین در تجربه‌ی زندگی روزمره‌ی زنان شهر تهران انجام شد. به این منظور از رویکرد کیفی و روش نظریه‌ی زمینه‌ای استفاده شد. نمونه‌گیری به روش هدفمند و از بین دانشجویان متولد دهه‌های ۵۰ و ۶۰ دانشگاه‌های آزاد اسلامی شهر تهران انجام گرفت. داده‌ها در سه سطح کدگذاری باز، محوری و گزینشی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. مدل پارادایمی حاصل از مقوله‌های محوری هم نشان داد که شرایط علی برای پدیده‌ی بازتعریف دین نقش رسانه‌ها در تقابل با دین، تجربه‌های شخصی پرسش‌برانگیز از دین و نقش آموزش در ایجاد نگرش نوین به دین بود. نتایج به‌دست‌آمده تأیید می‌کند که دین‌داری در زنان و دختران دستخوش تغییرات زیادی شده که توجه به آن در سیاست‌گذاری‌ها ضروری است.

کلیدواژه‌ها: دین، زندگی روزمره، بازاندیشی، زنان، بازتعریف دین

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۰۹؛ تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۰۴/۰۶)

Doi: <http://10.22034/JSI.2023.1975676.1631>

* مقاله علمی پژوهشی؛

۱. دانشجوی دکتری گروه جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
z.soleimani109@gmail.com
۲. استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
mrpouyafar@gmail.com
۳. استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
kzolghadr@hotmail.com

مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره بیست و سوم، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۱، ص ۱۴۳-۱۱۹

طرح مساله

نهاد دین یکی از اصلی‌ترین نهادهای جامعه بشری در طول تاریخ بوده است. دین به‌عنوان یک عنصر اجتماعی بنیادین، نقش مهمی در صورت‌بندی رفتار اجتماعی انسان‌ها دارد و می‌تواند جامعه را از بی‌نظمی‌های اجتماعی مصون دارد (برگر، ۲۰۱۱). علاوه بر کارکردهای اجتماعی که دین دارد، می‌تواند از منظر فلسفی و روانشناختی هم دارای کارکرد باشد: دین می‌تواند به زندگی انسان‌ها معنا دهد و پاسخی برای برخی تجربه‌های پیچیده‌ی انسانی مانند مرگ باشد که درک و کنار آمدن با آن بسیار دشوار است. سردرگمی حاصل از نیافتن پاسخ برای چنین تجربه‌هایی خود می‌تواند علاوه بر سردرگمی‌ها و تنش‌های فردی، جامعه را با مسئله‌ای اساسی مواجه ساخته و نظم اجتماعی را زیر سؤال برد (برگر، ۱۹۶۷ به نقل از ایزدی، ۱۳۹۰: ۶۴). از این روست که برگر، دین را مجموعه‌ای از معانی دانسته که انسان جهت‌مندان ساختن جهان اجتماعی به وجود آورده است و هدف آن را پایدار ساختن معانی متزلزل و ناپایدار جهان اجتماعی دانسته است. بنابراین می‌توان گفت کارکردهای اساسی و شگرف دین سبب گسترش و دوام آن در طول سالیان شده است.

سیر تحول تاریخی دین نشان می‌دهد که شکل‌های ابتدایی آن در پاسخ به نیازهای جسمانی و مخاطرات طبیعی بوده است. از این رو ابتدا ادیان خود را به شکل فetišیسم^۱ یا توتمیسم^۲ نشان می‌دادند. پس از سازمان یافتن بشر در قالب جوامع، دین‌های قبیله‌ای جای خود را به مذاهب ملی دادند. سپس خدایان یونانی و مذاهب پیچیده‌ی مصری متناسب با تغییرات سیاسی و حکومتی و خلوص اندیشه زندگی پس از مرگ به وجود آمدند. از آن پس تفکر تعالی‌یافته‌ی بشر، دین را به سمت نوعی زیست/اخلاقی کشاند و مذهب‌هایی چون بودیسم یا هندویسم را به وجود آورد. به تدریج تکامل عقلانی و اجتماعی انسان‌ها و پیشرفت تمدن‌ها، ایمان به وجود خدای واحد را در مذاهب تثبیت نمود (بایرناس، ۱۳۸۱: ۷۰). این تکامل تدریجی در برخی کتاب‌های مذهبی همانند عهد عتیق قوم یهود آورده شده است. اما با مسیحیت عقیده به تجسم الهی آغاز می‌شود. آئین مسیحیت با شرط تساهل و تسامح در اقصی نقاط جهان گسترش یافت و سپس اسلام، با دو رکن اساسی ایمان و عمل صالح با سرعتی شتابنده و انبساطی باورنکردنی که از حقایق روشن و آئین ساده آن بر می‌خاست در اقصی نقاط جهان انتشار یافت (بایرناس، ۱۳۸۱:

1. Fetishism
2. Totemism

۷۵). ایران نیز به سبب همجواری از مقاصد اصلی این انبساط دینی بود. به این صورت، در جامعه‌ی ایران از ۱۴ قرن پیش شاهد حضور پررنگ دین در مناسبات اجتماعی روزمره بوده‌ایم که حتی با وجود فرازوفرودهای تاریخی از جمله سکولارسازی حکومتی رضاشاه یا سکولارشدگی نسبی در سطح فردی طی سال‌های پس از پیروزی انقلاب، دین همچنان حضور برجسته‌ی خود را حفظ کرده است.

مطالعات مربوط به دین نشان می‌دهند که طی سالیان، کانون توجه در دین، از متون کهن به افراد مدرن، از دین سرآمدان به دین عامیانه و از مطالعه‌ی نظام و نهادهای دینی مخصوص به جست‌وجو برای نمادهای دینی در جای‌جای جامعه، تغییر کرده است (فوزشت و رپستاد، ۱۳۹۴: ۹۵) به سخن دیگر دین در عصر جدید دیگر تعلق‌های جماعتی به سبک گذشته نیست بلکه به‌مرور به پیوندهای شناور و کم‌وبیش گذرای تبدیلی‌شده‌است که فرد در کنش و برهم‌کنش‌های روزمره‌اش با افراد و گروه‌های دیگر برقرار می‌کند. در جوامع پیشرفته‌ی مدرن که اصل و بنیادشان خودگردانی است، افراد باورهای خود را به شیوه‌ای مستقل و در قالب ارگانیک‌های خردی از باورها شکل می‌دهند که متناسب با خواسته‌ها و تجربه‌های شخصی‌شان است. فردی شدن سبب تسهیل و گسترش پذیرش یک ایمان شخصی‌تر و حتی مستقل از ادیان شده است (ارویولژه و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۱). بنابراین می‌بینیم که در عصر مدرنیته فضای بیشتری برای افراد و شخصی‌سازی ادیان توسط آن‌ها ایجاد شده است.

جامعه‌ی ایرانی هم از این جریان مستثنی نبوده و شاهد تغییر و تحولاتی در دینداری افراد بوده‌ایم. معمار و حسین‌پور (۱۳۹۴) نشان دادند که دین‌داری در بین جوانان ایرانی به امری شخصی، غیرالزام‌آور، خصوصی، سلیقه‌ای، گزینشی، مبتنی بر تعقل، خرد فردی و همراه با نپذیرفتن دگرسالاری نهادهای دینی تبدیل شده است. در این خصوص می‌توان گفت رسانه‌های مدرن اعم از تلویزیون‌های ماهواره‌ای، سایت‌های اینترنتی، شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها باعث شده‌اند میزان تأثیر از عناصر فرهنگی مدرنیته‌ی غربی بر جامعه و هویت ایرانی با روند روبه‌رشدی افزایش یابد که در مورد زنان این تأثیر شکل ویژه‌ای به خود گرفته است. زیرا سابقه‌ی دینی جامعه‌ی ایرانی و نظام حکمرانی سیاسی کنونی آن همواره در تلاش بوده‌اند تا الگوی خاصی از نقش زن را ترویج کنند که بیشتر متکی بر حضور او در خانه و مادری کردن است. به‌رغم چنین تلاش‌هایی شاهد آن هستیم که امروزه زنان (خصوصاً با تحصیلات دانشگاهی بیشتر)، مطالبه‌گر جایگاه منزلتی درخور خود هستند، هر چه بیشتر از درون خانه به خیابان

می‌آیند، و کمتر فرصتی برای آشپزی، خانه‌داری و بچه‌داری دارند. در مقابل، آن‌ها همچون مردان زره به تن می‌کنند، می‌آموزند برای کسب منابع و منزلت‌های اجتماعی بجنگند و قواعد کسب و جاهت و جایگاه اجتماعی را فراگیرند. این قواعد ممکن است گاه با قواعد و اصول مرسوم در قرائت سنتی از دین متفاوت یا حتی متعارض باشد. بنابراین زنان در این فضا با ایجاد تغییراتی در زندگی روزمره‌ی خود به دنبال یافتن زندگی مناسب‌تر برای خود در حال تلاش‌اند.

به طور منطقی می‌توان گفت گسترش علوم جدید، فناوری‌ها و توسعه مدرنیته، عقلانیت مدرن و اندیشه مدرن زندگی اجتماعی انسان‌ها را از بنیاد دگرگون کرده و انسان دنیای امروزی تحت تأثیر چنین تحولات عمیقی، با زیست‌جهان دینی مواجه می‌شود. در نتیجه، دینداری نیز تحت تأثیر نظام معرفتی جهان مدرن، شکلی متفاوت از جهان پیشامدرن یافته است. تحت تأثیر این روند، جامعه ایرانی نیز از حدود دو قرن اخیر در معرض نفوذ نشانه‌های مدرنیته و زندگی مدرن قرار گرفت. این در حالی است که در جامعه‌ی ایرانی دین و پای‌بندی به ضوابط اخلاقی و هنجارهای تعیین‌شده آن، بار عظیمی از سلامت اجتماعی جامعه‌ی ایران را بر عهده داشته و صرف‌نظر از دین آمرانه یا حکومتی، نهاد دین در طول تاریخ این سرزمین متولی تعیین ضوابط و اصول اخلاقی بوده است. تحولات در این نهاد از قبیل دگراندیشی، نواندیشی و نوزایی، افزایش یا کاهش نمودن رویکردهای تعبد در دین و مواردی از این دست می‌تواند جامعه را متأثر و دگرگون سازد. از این رو به نظر می‌رسد که تحول در زیست جهان زن ایرانی از زندگی سنتی به روش زندگی مدرن و تأثیر آن بر آفرینش و تکثیر باورهای نوین دینی، آینده جامعه ایرانی را رقم خواهد زد. به همین دلیل ادراک تحول‌هایی که در گذر زمان بر زنان جامعه ایرانی رخ داده است اهمیت قابل‌توجهی دارد. این پژوهش موجب درک ارتباط دوسویه نگرش دینی و تجربه‌ی زیسته می‌گردد. در واقع می‌توان گفت که پژوهش حاضر با هدف کشف تجربه‌ی زیسته‌ی زنان و امر دینی در صدد فهمیدن دگرگونی‌های زیست اجتماع شهری و امور دینی زنان است.

پیشینه تجربی پژوهش

مطالعات داخلی: عزیزآبادی و کیان‌پور (۱۳۹۸) به بررسی جامعه‌شناسی احساسات مذهبی در زندگی روزمره در دانشگاه تهران پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهند رژیم احساسی دانشجویان مطالعه شده، به سمت فرایندی تمایل دارد که در این پژوهش «سوژه‌سازی حاد» نامیده شده است؛ یعنی ممکن است یک نماد مذهبی همچون عاملی قدرتمند و نه پدیده‌ای ساخته‌ی دست بشر، در ذهن کنشگر نقش بندهد و او را به واکنش شدید احساسی ترغیب کند.

نوربخش و جعفری کافی آباد (۱۳۹۶) به بررسی عوامل دین‌داری و دین‌گریزی در میان دانشجویان دانشگاه شریف و تهران پرداخته‌اند و نشان داده‌اند که مصاحبه‌شوندگان را می‌توان در چهار دسته منکران، لادری‌ها، متصرفان و مقیدهای کل‌گرا صورت‌بندی کرد. به عبارتی رابطه آن‌ها با دین خارج از صورت‌بندی‌ها و مجاری رسمی آموزش دین صورت می‌گیرد و فاصله‌ای بسیار میان قرائت رسمی از دین و خوانش مصاحبه‌شوندگان وجود دارد. یکی از استراتژی‌های این افراد در این زمینه بازتعریف دین در چارچوب تمایلاتی است که عمیقاً ریشه در تجارب افراد دارند. بازتعریف دین در چارچوب تأمین آرامش و بازتعریف دین در چارچوب عرف و بی‌اعتنایی و التزام‌گزینشی و یا نتیجه خودآئینی است که مستقیماً از تجارب آن‌ها برمی‌خیزند.

هاشمی و شریفی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای به پژوهش در خصوص دلایل غیرمذهبی شدن برخی دانشجویان با نگاه به زیست جهان آنان پرداخته‌اند. یافته‌ها نمایانگر این است که مجموعه شرایطی موجبات بروز جرعه‌های تغییر در عقاید می‌گردد و این تغییرات با توجه به دو تجربه‌ی مدارا و طردشدگی تقویت می‌شوند.

حضرتی صومعه (۱۳۹۵) به بررسی میزان دینداری زنان دانشجوی در دانشگاه آزاد علوم تحقیقات تهران پرداخت. این مطالعه به روش کمی انجام گرفته و نتایج آن نشان داد که دینداری دانشجویان زن در بعد اعتقادی بالا و در بعد مناسکی پایین است.

اسدی (۱۳۹۰) به بررسی تفاوت دینداری مادران با دخترانشان در شهرستان آمل پرداخت. در این مطالعه نشان داده شد که دینداری مادران بیشتر از نوع مناسکی و شریعتمدارانه است در حالی که دینداری دختران انواع دیگری مانند عاطفی، اخلاقی و جامع داشته است.

مطالعات خارجی: ساودرا کورادا^۱ (۲۰۲۲) در مطالعه‌ای به بررسی دینداری زنان مهاجر پس از مهاجرت و در فضای جدید می‌پردازد و نشان می‌دهد که زنان تفاسیر فردی، موقعیتی و شخصی‌شده از دین و معنویت به وجود می‌آورند. همچنین زنان تفسیرهای روزمره‌ی خود از دینداری را به عقاید مذهبی سازمان‌یافته‌ی قبلی الویت می‌دهند.

ویلن رولدا^۲ (۲۰۲۰) به بررسی مذهب در زندگی روزمره زنان در مراکز پناهندگی نروژ پرداخته است. در این مطالعه نقش عقاید و اعمال مذهبی در زندگی روزمره و تغییرات آن مورد بررسی قرار گرفته است. بحث بر سر این است که مذهب مانند قطب‌نمایی به کار رفته و در

1. Saavedra Corrada
2. Willmann Robleda

زندگی روزمره پیوستگی ایجاد می‌کند. همچنین تغییراتی در عقاید و اعمال مذهبی افراد به علت قرار گرفتن در فضای اجتماعی-فرهنگی جدید به وجود می‌آید.

انور^۱ (۲۰۱۵)، در مطالعه خود به بررسی تجربه زندگی روزمره زنان و اعمال مذهبی آنان در ازبکستان قبل و بعد از شوروی پرداخته است. تأکید اصلی مطالعه‌ی انور روی تغییرات زندگی روزمره‌ی مذهبی زنان پس از انحلال شوروی سابق است. این مطالعه درباره تأثیر عمیقی که نیروها و نهادهای اجتماعی می‌توانند بر زندگی مذهبی زنان داشته باشند، بحث می‌کند. انور به این نتیجه می‌رسد که آداب‌ورسوم مذهبی که زنان در زندگی روزمره خود به کار می‌برند به وسیله دولت و نهادهای مذهبی با هدف‌های مشروعیت‌آیدئولوژیک، ساختن هویت ملی و کنترل زندگی روزمره زنان ساخته می‌شود.

جمعه‌پور (۲۰۱۵) به موضوع زنان در ایران معاصر پرداخته است و در آن مسائلی مانند آزادی شخصی، برابری جنسیتی، سابقه تاریخی و تمایل به تغییرهای صلح‌آمیز را مورد بحث قرار داده است. این پژوهش با استفاده از بررسی آثار هنری دوره‌های مختلف مانند نقاشی‌های رنگ‌روغن و اکریک، مجسمه‌های سفالی، تصاویر دیجیتال و غیره به بررسی تاریخی زنان در ایران در دو دوره قبل از اسلام و بعد از اسلام پرداخته است.

برگامر و فلیگنشنی^۲ (۲۰۱۴) در مقاله‌ای با عنوان "ایجاد یک مفهوم از دین‌داری اسلامی: تحلیل زندگی روزمره زنان مهاجر در استرالیا" به ایجاد مفهومی از دین‌داری اسلامی بر اساس روایاتی که منعکس‌کننده زندگی مذهبی روزمره زنان مسلمان در اتریش است، پرداخته‌اند. در این پژوهش از گراند تئوری استفاده شده است و در آن ۳۰ مصاحبه بیوگرافیک از زنان مسلمان ترکیه‌ای و بوسنی هرزگووین ساکن در استرالیا، مبنای تحلیل قرار گرفته است. محققان در این پژوهش بر ابعاد دین‌داری اسلامی و ارتباط بین مذهب و فرهنگ و کارکردهای آن تأکید گذاشته‌اند.

بر اساس این مطالعات، نشان داده شد که مدرنیته و تحولات مرتبط سبب تغییرهای شگرفی در دین‌داری افراد شده است. در داخل کشور هم این امر خود را به صور گوناگون مانند ایجاد جنبش‌های مذهبی جدید، تغییر در نوع دین‌داری سنتی و مواردی از این قبیل خود را بروز داده است. در پژوهش‌های مختلف انواع دین‌داری حال حاضر جوانان ایرانی مورد بررسی قرار گرفته و انواع متفاوتی از آن به دست آمده است. آنچه واضح است این نکته

1. Anvar

2. Berghammer, & Fliegenschnee

است که تغییرهای آشکاری در دین‌داری افراد بخصوص جوانان و دانشجویان در ایران رخ داده است که نیازمند بررسی بیشتر است. بر اساس مطالعات بررسی‌شده، می‌توان دریافت که مدرنیته و تحولات مرتبط سبب دگرگونی‌های شگرفی در دین‌داری افراد شده است. در داخل کشور هم این امر خود را به صورت‌های گوناگون مانند گرایش افراد به سمت شخصی‌سازی دین خود را بروز داده است. در پژوهش‌های مختلف انواع دین‌داری حال حاضر جوانان ایرانی موردبررسی قرار گرفته و انواع متفاوتی از آن به‌دست‌آمده است ولی مشخصاً به بازتعریف دین در زندگی روزمره‌ی زنان دانشجویان پرداخته نشده است.

مبانی نظری

پدیدارشناسی دین: در مورد پدیدارشناسی دین می‌توان گفت که خصلت اصلی آن، تلاش برای گذار از تبیین در معنای رایج آن یعنی کشف روابط علی است. درواقع، تبیین، محدودیت‌آفرین است و به‌نوعی تقلیل‌گرایی منجر می‌شود، همچنان‌که در جامعه‌شناسی دین یا روان‌شناسی دین رخ داده است. اما، پدیدارشناسی دین کوشش می‌کند تا به عمق «تجربه دینی» نفوذ کند و در مواجهه مستقیم و حضوری با آن قرار گیرد و به سخن دیگر، پدیدار دینی را به‌طور بی‌واسطه، «یعنی فارغ از بحث مفهومی» درک و توصیف کند (ریخته‌گران، ۱۳۸۲: ۱۴).

اتوا از مهم‌ترین نظریه‌پردازان پدیدارشناسی دینی است. اتوا دین را به‌صورت کامل از الاهیات و امور عقلانی جدا می‌کند و گوهر دین را نه آموزه‌ها و اعمال، بلکه عواطف و احساسات یا تجربه دینی و امر قدسی می‌داند و معتقد است که این گوهر دین در همه ادیان وجود دارد. بنابراین همه ادیان، حق و نجات‌بخش هستند. او می‌گوید: «در هر دین کاملاً پیشرفته، تأیید، تحسین، تکلیف و وظیفه اخلاقی به‌عنوان خواسته‌ی خدا از انسان در کنار احساس دین ظهور و گسترش یافته است. با این همه ممکن است شناخت عمیقاً فروتنانه و قلبی نسبت به امر قدسی نیز در قالب بعضی تجربه‌ها پدیدار گردد؛ بدون آنکه همواره حاوی احساس تکلیف اخلاقی بشود یا معلول آن باشد. بنابراین امر قدسی آن چیزی است که حرمت ما را نسبت به خود برمی‌انگیزد و ارزش واقعی او را در درون خود اعتراف می‌کنیم (اتوا، ۱۳۸۰: ۹۳).

در رویکرد **الیاده** به دین، دو نکته اهمیتی بنیادین دارند: اول، مخالفتش با رویکردهای تحویل‌گرایانه است به این صورت که معتقد است کوشش برای به چنگ آوردن دین از طریق

زیست‌شناسی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، اقتصاد، زبان، هنر یا هر رشته‌ی دیگری استقلال دین را از بین می‌برد و آن عنصر بی‌مانند و تحویل‌ناپذیر دین یعنی امر قدسی از دست می‌رود (الیاده، ۱۹۵۸، به نقل از قنبری، ۱۳۹۰: ۱۲۰). دوم، روش پدیدارشناسی است که در واقع در برابر رویکردهای تحویل‌گرا قرار می‌گیرد. مهم‌ترین ادعا در این رویکرد این است که بدون فروکاستن دین به امور دیگر، می‌توان به ماهیت و گوهر آن دست یافت. الیاده معتقد است که اگر دین مستقل دیده شود، معنای خود را ژرف‌تر از آن زمان که به ابعاد ثانویه و زمینه‌های تاریخی فروکاسته می‌شود، آشکار می‌سازد (همان).

زندگی روزمره

می‌توان دو دیدگاه ساختارگرایانه و پساساختارگرایانه نسبت به زندگی روزمره را از هم تفکیک کرد: در دیدگاه ساختارگرایانه به زندگی روزمره می‌توان به فدرستون اشاره کرد که معتقد است از ویژگی‌های زندگی روزمره، تکراری بودن، غیرخلاقانه بودن، و اجبار اجتماعی است. مثلاً برای زن خانه‌دار زندگی روزمره عبارت است از آشپزی، نظافت، خرید کردن و رسیدگی به امور شخصی، و دیدوبازدیدهای خانوادگی. این‌ها مکرراً در زندگی فرد تجربه می‌شوند، فرد به صورت تقلیدی و تحمیل‌شده این کارها را انجام می‌دهد نه به صورت خلاقانه. همین‌طور فرد خود را ملزم و ناگزیر می‌داند که انجام آن‌ها را ادامه دهد و در صورت انجام ندادن با کیفیتهای گوناگون روبرو می‌شود. بنابراین می‌توان گفت از بستر زندگی روزمره فرد می‌تواند تا حدودی با ارزش‌ها، هنجارها و عرف‌های اجتماعی انطباق پیدا می‌کند. به معنای دیگر، زندگی روزمره فضایی است که در آن ما به "بازتولید اجتماعی" می‌پردازیم و تا حدودی شبیه دیگران می‌شویم. از این دیدگاه یکی از کارکردهای زندگی روزمره این است که نظم اجتماعی به وجود می‌آورد (روستا، ۱۳۹۶: ۴۶).

در دیدگاه پساساختارگرایانه به زندگی روزمره اندی بنت معتقد است "زندگی روزمره به‌عنوان واسطه‌ی بالقوه‌ی میان عامل فردی و ساختار اجتماعی" است (بنت، ۱۳۸۶ به نقل از روستا، ۱۳۹۶: ۵۲) یعنی افراد در فرایند درونی کردن هنجارهای اجتماعی، صرفاً به اطاعت منفعل از ساختار اجتماعی نمی‌پردازند بلکه این ساختارها توان و ظرفیتی برای "کنش خودانگیخته" افراد فراهم می‌سازد. این دیدگاه برای فرد نقش فعالانه‌تر و اختیاری‌تری در زندگی روزمره قائل است. در این دیدگاه زندگی روزمره بیش از آن‌که عرصه تکرار و روزمرگی یا عرصه

استثمار سرمایه‌دارانه باشد، عرصه رویایی و مبارزه است، عرصه‌ای که در آن تنوعات فرهنگی موجود در جامعه موجب شکل‌گیری ذائقه‌ها و سلیقه‌های رقیب و متعارض می‌شود (همان).

روش پژوهش

رویکرد پژوهش حاضر کیفی است و از روش نظریه‌ی زمینه‌ای استفاده شده است. بررسی دین در زندگی روزمره امری است که به حوزه‌ی زندگی خصوصی افراد مربوط می‌شود و به همین دلیل نیازمند دقت در ماهیت رفتار کنشگران است و نه صرفاً مطالعه‌ی صوری رفتار. این امر می‌تواند به بهترین شکل در رویکرد کیفی محقق شود. همچنین دین در زندگی روزمره زنان موضوعی است که در ایران کمتر مورد پژوهش دقیق و علمی قرار گرفته است و تحقیقات اندکی در این خصوص وجود دارد؛ بنابراین می‌توان گفت ویژگی اولی که در این تحقیق سبب شد به سمت نظریه‌ی زمینه‌ای برویم؛ اطلاعات اندکی است که در این حوزه وجود دارد. از طرف دیگر در خصوص علت‌ها، فرآیندها و پیامدهای دین در زندگی روزمره زنان سؤال‌های بی‌پاسخ زیادی وجود دارد؛ که پاسخ دادن به این سؤال‌ها مستلزم انجام پژوهش به روشی بود که بتواند به علت‌ها، فرآیندها و پیامدهای این پدیده نیز بپردازد. همچنین تعمیم آماری داده‌ها نیز مدنظر نبوده است.

لازم به یادآوری است که در روش نظریه‌ی زمینه‌ای محقق کوشش می‌کند نوعی نظریه‌ی عمومی و انتزاعی در مورد فرآیند کنش یا تعامل بین افراد بر اساس دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان در پژوهش ایجاد کند. این فرآیند شامل استفاده از مراحل گوناگون گردآوری داده‌ها، پالایش و رابطه متقابل بین طبقه‌های اطلاعاتی است (اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۰ به نقل از کرسول، ۱۳۹۱: ۱۲۰).

جمعیت مورد مطالعه در پژوهش حاضر دانشجویان متولد دهه‌های ۵۰ و ۶۰ دانشگاه‌های آزاد اسلامی شهر تهران بود. نمونه‌ها با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند برگزیده شدند. ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه‌ی عمیق بود و پس از ۱۵ مصاحبه اشباع نظری حاصل شده و مصاحبه‌ها متوقف شدند. همچنین تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از سه سطح کدگذاری ۱. کدگذاری باز؛ ۲. کدگذاری محوری؛ و ۳. کدگذاری انتخابی انجام شد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش با ۱۵ زن مصاحبه شد. تمامی زنان دارای تحصیلات عالی بودند به‌صورتی که ۷ نفر از آن‌ها دانشجوی کارشناسی ارشد و ۸ نفر دانشجوی دکتری بودند. ۱۱ نفر از زنان شاغل و

۴ نفر از آن‌ها خانه‌دار بودند و از حیث وضعیت تأهل ۱۰ نفر از زنان متأهل و ۵ نفر مجرد بودند. ویژگی‌های مصاحبه‌شوندگان در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱: ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان

ردیف	نام	سن	مقطع تحصیلی	وضعیت تأهل	منطقه سکونت	رشته تحصیلی	دانشگاه محل تحصیل	وضعیت اشتغال
۱	فریبا	۴۶	ارشد	متأهل	مرکز	پیراپزشکی	تهران جنوب	شاغل
۲	میترا	۴۹	دکتری	متأهل	غرب	جامعه‌شناسی	علوم تحقیقات	شاغل
۳	سمیرا	۳۰	دکتری	مجرد	غرب	مدیریت آموزشی	تهران مرکز	شاغل
۴	ریحانه	۳۴	دکتری	مجرد	غرب	جامعه‌شناسی	علوم تحقیقات	شاغل
۵	نوشین	۵۰	دکتری	متأهل	غرب	جامعه‌شناسی	تهران مرکز	شاغل
۶	الهه	۵۰	ارشد	متأهل	غرب	ارتباطات	تهران مرکز	خانه‌دار
۷	فهیمة	۴۸	ارشد	متأهل	شرق	فیزیک	تهران مرکز	خانه‌دار
۸	سارا	۴۲	ارشد	مجرد	شرق	جامعه‌شناسی	تهران مرکز	شاغل
۹	افسانه	۴۲	ارشد	متأهل	مرکز	مترجمی زبان	تهران شرق	خانه‌دار
۱۰	زهرا	۴۵	دکتری	متأهل	مرکز	جامعه‌شناسی	علوم تحقیقات	خانه‌دار
۱۱	شهناز	۴۹	دکتری	مجرد	غرب	جامعه‌شناسی	علوم تحقیقات	شاغل
۱۲	مریم	۳۶	دکتری	متأهل	شرق	علوم اجتماعی	علوم تحقیقات	شاغل
۱۳	ماندانا	۵۰	دکتری	متأهل	مرکز	علوم اجتماعی	علوم تحقیقات	شاغل
۱۴	مهناز	۵۰	ارشد	متأهل	مرکز	علوم اجتماعی	علوم تحقیقات	شاغل
۱۵	منیره	۳۶	ارشد	مجرد	مرکز	مددکاری	تهران مرکز	شاغل

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها ابتدا مقولات با استفاده از کدگذاری باز استخراج شد. به این منظور تمامی مصاحبه‌ها سطر به سطر خوانده شده و به تمامی مفاهیم و مقولات مطرح‌شده از سوی مصاحبه‌شوندگان کدهایی اختصاص داده شد، کدهای به دست آمده مشتمل بر ۲۴۳ مقوله بود. سپس با بررسی مقولات باز و طبقه‌بندی مفهومی آن‌ها به ۱۵ مقوله‌ی محوری رسیدیم که در جدول ۲ قابل مشاهده هستند (لازم به یادآوری است جدول مذکور حاوی تمامی مقولات باز نیست).

جدول ۲: مقولات محوری استخراج شده از مقولات باز

ردیف	مقوله‌ی محوری	مقوله‌ی باز	تعداد
۱	انجام تکالیف دینی	مقید بودن به انجام تکالیف دینی در کودکی اهمیت انجام تکالیف دینی در نزد والدین سخت‌گیری در انجام تکالیف دینی در خانواده انجام مناسک مذهبی در خانواده نماز خواندن در مدرسه	۱۱
۲	یادگیری آموزه‌های دینی	حضور در مدرسه اسلامی به درخواست خانواده آشنا شدن با دین از طریق مدرسه	۲
۳	بازتعریف دین در زندگی روزانه	قبول نداشتن خطبه عقد قبول نداشتن حجاب عدم شرط دینداری در به‌جای آوردن نماز و روزه بروز اعمال غیراخلاقی توسط افراد مذهبی شک کردن به توانایی‌های خدا اعتقاد نداشتن به منجی مهم نبودن قواعد فقهی انجام ندادن مراسم‌های مذهبی عدم رعایت اصول دینی در ارتباط با جنس مخالف بی‌معنی شدن عزاداری شک در اجرای اصول دینی پایبند نبودن به اصول دینی در محیط کاری شرکت نکردن در مراسم‌های جمعی مذهبی اعتقاد نداشتن به نماز و روزه اعتقاد نداشتن به بهشت و جهنم قبول نداشتن معیارهای دینی نداشتن حس بد نسبت به خوردن شراب ارائه تعریفی متفاوت از توبه	۶۷
۴	نقش رسانه‌ها در تقابل با دین	کمرنگ کردن دین توسط رسانه‌ها کمرنگ شدن دین به دلیل وجود فشار	۲
۵	تجربه‌های شخصی پرسش‌برانگیز از دین	تظاهر در دینداری وجود نابرابری در دنیا وجود تحریف و دروغ در دین وجود تبعیض در قوانین دینی عدم وجود عدالت بین زن و مرد	۱۰

ردیف	مقوله‌ی محوری	مقوله‌ی باز	تعداد
		غیرمنطقی بودن دین	
۶	نقش آموزش در ایجاد نگرش نوین به دین (تعامل با عقاید جدید دیندارانه)	تأثیر مطالعه در تغییر نگاه و اعتقاد دینی تغییر تفکر توسط رشته علوم انسانی تأثیر دوستانی متعادل و منطقی‌تر تأثیر فضای مجازی داشتن تحصیلات دانشگاهی شرکت در کلاس‌های دانشگاهی	۱۳
۷	عدم احساس گناه	عدم احساس گناه انجام ندادن مناسک دینی و عدم حس گناه گرایش به فرهنگ ایرانی و عدم احساس گناه دلبخواه شدن تکالیف دینی تعریف از آسیب به‌عنوان گناه	۷
۸	پایبندی محدود به باورهای عرفی- مذهبی و سنتی	آیینی دانستن مراسمات مذهبی عدم اجبار در انجام تکالیف مذهبی اهمیت عرف در تعیین گناه احساس آرامش در اماکن مذهبی جشن نگرفتن در ایام شهادت عدم محدودیت در حجاب اهمیت داشتن نذری نزد والدین اجباری ندانستن گرفتن روزه گیر دادن کمتر به فرزند رعایت اعتدال در حجاب شک نکردن به خدا ملایم بودن آرایش رابطه با جنس مخالف برطبق اصول دینی تربیت دینی فرزندان تا حدودی عجین بودن با قرآن و قبول نداشتن مفاتیح‌الجنان رعایت ظاهر رفتارهای دینی برای احترام	۳۶
۹	عدم سخت‌گیری به فرزندان در مورد دین	آموزش اخلاق به فرزند قرار ندادن قیدوبند دینی برای فرزند به‌جای نیاوردن مناسک دینی توسط فرزندان توصیه به سخت‌گیری نکردن فرزند در دین دخالت نکردن در مسائل دینی فرزند آموزش شعر به‌جای دعا به فرزند	۸

بازتعریف دین در زندگی روزمره‌ی زنان دانشجویان در تهران

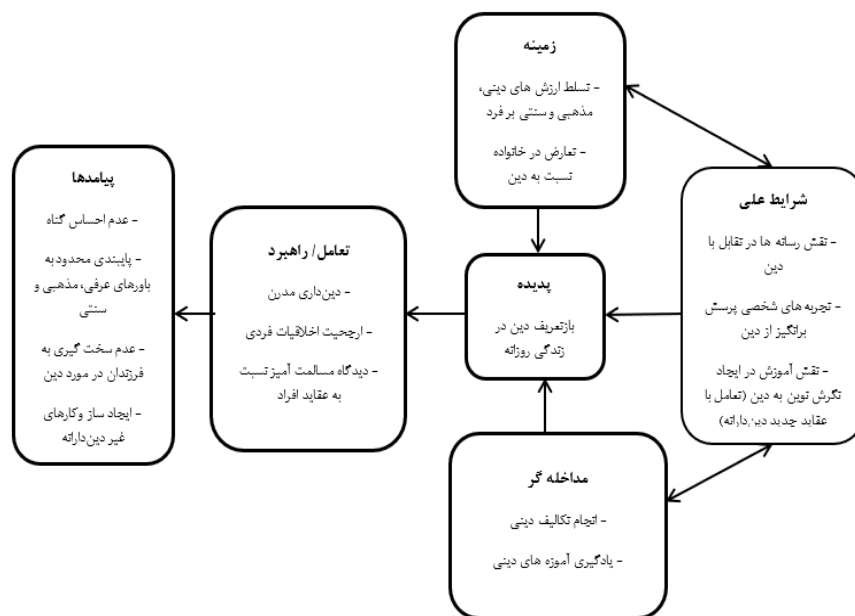
ردیف	مقوله‌ی محوری	مقوله‌ی باز	تعداد
۱۰	ایجاد سازوکارهای غیر دیندارانه	نوشتن برای خدا به جای نماز خواندن داشتن آرامش به دلیل انتخاب آگاهانه در دین خودشناسی و اعتدال در زندگی حرف زدن با خدا به جای نماز خواندن مسرور از ایجاد تغییر در باورهای دینی شباهت میان یوگا و نماز مراقبه به جای نماز خواندن	۱۰
۱۱	تسلط ارزش‌های دینی- مذهبی و سنتی بر فرد	ترس از نخواندن نماز و نگرفتن روزه تبدیل اجبار به عادت خود را مستحق عذاب دانستن معتقد بودن به امام خمینی سنتی و مذهبی بودن خانواده همسر سخت‌گیری برادرم نسبت به حجاب پوشش اصلی بودن چادر رعایت کردن مسائل دینی در خانواده وظیفه دانستن انجام تکالیف دینی اجبار به رعایت کردن اصول دینداری اجبار به اطاعت و اجازه‌ی تحقیق نداشتن اجازه تجسس نداشتن درباره‌ی خدا اهمیت تکالیف دینی در نزد والدین نهادینه شدن ارزش‌ها در کودکی فشار مدرسه برای آموزش تکالیف دینی وجود زمینه‌های دینی در زندگی تصور از شیطان از دوره کودکی ارزش‌های مسلط دینی	۳۰
۱۲	تعارض در خانواده نسبت به دین	خسته شدن دخترم از مؤمن بودن من وجود دوگانگی میان دین و زندگی همسو نبودن با اعتقادات همسر داشتن خانواده‌ی غیرمذهبی دیندار نبودن خانواده عدم علاقه همسر به لباس‌های پوشیده‌ام وجود تنش به خاطر آرایش نکردن و چادری بودن عدم علاقه همسر به داشتن حجاب	۱۲

ردیف	مقوله‌ی محوری	مقوله‌ی باز	تعداد
۱۳	دینداری مدرن	<p>به‌کارگیری اعتماد و صداقت به‌جای آموزه‌های دینی تغییر فرم دین به خاطر وجود مشغله کاری و ... عدم منافات بین دین و نگهداری از حیوانات وجود منطق و دلایل پزشکی در برخی احکام دینی عدم سخت‌گیری در انجام تکالیف دینی مهم بودن هدف تکالیف مذهبی نسبت به اجرائی ارائه تعریف متفاوت از دینداری دلخواه عمل کردن در تکالیف دینی مخالف حجاب اجباری عدم منافات بین دین و موسیقی تغییر رویه در قواعد فقهی ایجاد تغییر در مناسک دینی شخصی دانستن اعتقادات دینی ارائه تعریف متفاوتی از حجاب برگزاری جلسات روانشناسی به‌جای عزاداری</p>	۳۵
۱۴	ارجحیت اخلاقیات فردی	<p>اهمیت بااخلاق بودن همسر آینده‌ام اخلاق مدار بودن در مسائل دینی یادگیری اصول اخلاقی از طریق والدین اعتقاد به دین در چارچوب اخلاقی قرار دادن اصول و چارچوب اخلاقی به‌جای دین رعایت اخلاق توسط افراد غیر مذهبی اهمیت اصول اخلاق و انسانیت رعایت اصول اخلاقی در زندگی اهمیت اعتقاد کنشی و اخلاقی برای انتخاب همسر</p>	۹
۱۵	دیدگاه مسالمت‌آمیز نسبت به عقاید سایر افراد	<p>پذیرش تفاوت عقیدتی در انسان‌ها شخصی دانستن حجاب مختار بودن در به‌جا آوردن تکالیف دینی تمایل به تربیت اخلاقی و انسانی به‌جای دین ارتباط با افراد برطبق اصول شخصی شخصی بودن مسائل دینی آزاد بودن افراد در انتخاب شخصی بودن دین در مسئله ازدواج</p>	۱۹

در این مرحله از پژوهش و نظریه‌پردازی زمینه‌ای باید مقولات محوری را به صورتی روش‌مند با همدیگر ارتباط داد تا بتوان به نگارش نظریه اقدام کرده و به شرحی انتزاعی برای فرایند به دست آمده در پژوهش رسید. به صورت کلی می‌توان گفت که مدل پارادایمی تحقیق نشان‌دهنده‌ی جریان فرایندها و فعالیت‌هایی است که در بستر مطالعه اتفاق افتاده است. در ادامه مدل پارادایمی پژوهش حاضر آورده شده است.

مدل پارادایمی

در این مرحله محقق باید "مقولات" به دست آمده از طریق کدگذاری را در نظامی منطقی قرار داده و ارتباط آن‌ها را با هم مشخص کند به عبارتی داده‌های تجزیه شده به مفاهیم و مقوله‌ها در کدگذاری محوری باید به شیوه جدیدی به یکدیگر مرتبط شوند. این کار با به کار بردن یک مدل پارادایمی شامل "شرایط علی"، "پدیده"، "زمینه"، "شرایط مداخله‌گر"، "راهبردهای کنش/کنش متقابل" و "پیامدها" انجام شده است (استراوس و کوربین، ۱۳۹۰: ۱۰۰).



شکل ۱: مدل پارادایمی بازتعریف دین

همانطور که مطرح شد مقوله‌ی مرکزی پژوهش حاضر **بازتعریف دین در زندگی روزمره‌ی زنان** است. در مطالعه‌ی حاضر می‌بینیم که زنان در زندگی روزمره‌ی خود به تعاریفی جدید رسیده‌اند و به سمت کنش‌هایی خودانگیخته و نه بازتولیدهای اجتماعی صرف پیش رفته‌اند. به سخن دیگر زنان تعریف جدیدی از دین در زندگی خود ایجاد کرده‌اند که با تعاریف قبلی آموخته‌شده متفاوت است و از دیدگاه پساساختارگرایانه به دین مطابقت دارد. در این دیدگاه و به تعبیر هایدگر زندگی روزمره برخلاف آنچه گفته می‌شود، محل وقوع حوادث تکراری و بی‌ارزش نیست، بلکه ساحتی است که حتی آدمی قرار است به "اصلت" برسد و در آن توان و ظرفیتی برای "کنش خودانگیخته" افراد فراهم شود (لاجوردی، ۱۳۸۴).

به سخن دیگر زنان از قالب تفکراتی که در فرآیند جامعه‌پذیری و از مجرای خانواده، مدرسه و غیره آموخته بودند خارج شده و به تفکر جدیدی دست‌یافته‌اند که آن‌ها را در کنش‌های خود نیز به کار می‌برند. یکی از مهم‌ترین مصادیق دینی مربوط به زنان در ایران **حجاب** است. مثلاً مهناز می‌گوید «حجابم تا حدوداً پنج سال شش سال پیش چادر بود چادر و روسری سفت‌وسخت و همون حجابی که معمولاً به آدم مذهبی تندوتیز داره» یا ماندانا می‌گوید: «من اصلاً دیگه خیلی حجاب رعایت نمی‌کنم الان من بعدازاین که در دوره‌ی تحصیلاتم که دانشجو هستم خیلی نسبت به حجاب خیلی مردد شدم».

مصاحبه‌شوندگان به انواع متفاوت از **مراسم‌های مذهبی** مانند هیئت‌های عزاداری، عزاداری‌های ماه محرم و خواندن زیارت عاشورا، مراسم‌های شب‌های قدر اشاره کرده‌اند. مراسم و مناسک مذهبی تاریخچه‌ای طولانی در زندگی ایرانیان دارد و به عنوان یکی از انواع گونه‌های دینداری شناخته می‌شود (کاظمی، ۱۳۸۲: ۱۰۰). اما در اثر گسترش مدرنیته در عرصه‌های جهانی، در جامعه ما نیز تحولاتی فرهنگی و ساختاری روی داد که سبب دگرگونی نقش‌های اجتماعی شد و نیز موجب تغییر نگرش زنان نسبت به الگوهای سنتی در بسیاری از حوزه‌های زندگی خصوصی و اجتماعی شد. از این رو احتمالاً چنین مراسمی تا حدی کارکردهای خود را از دست داده و دیگر پاسخگوی نیازهای افراد نبوده و کم‌رنگ‌تر شدند. مثلاً منیره می‌گوید: «قبلاً علاقه‌ی خاصی به زیارت عاشورا داشتم و الان نه».

مورد مهم دیگر **نماز و روزه** است که جزو ارکان اصلی دین اسلام است که در بین مردم و از دیدگاه آن‌ها به‌جای آوردن آن‌ها می‌تواند تا حدی میزان دین‌داری افراد را نشان دهد. ولی همان‌طور که در مصاحبه‌ها دیدیم احکام مربوط به نماز و در حالت کلی ادای آن دچار تغییراتی

در بین زنان شده است. مثلاً فریبا می‌گوید: «چون الآن اعتقاد ندارم روزه هم نمی‌گیرم»، یا افسانه می‌گوید: «الآن جدیداً وقتی می‌خواهم اگر بخوام نمازی بخونم خودم رو موظف نمی‌کنم که حتماً باید نماز بخونم چون به این باور رسیدم که خدا به نماز من نیازی نداره من اگر قراره نماز بخونم به خاطر آرامش خودمه». در مورد تغییر در شرایط نماز خواندن ماندانا می‌گوید: "من این رو بهتون بگم دین‌داری من دیگه دین‌داری دوره دبیرستان و راهنمایی‌ام نشد و دین‌داری من یه دین‌داری جدیدی شد. با توجه به شرایط امروز، من الآن ناخن هم می‌کارم با ناخن کاشت نماز می‌خونم آرایش هم می‌کنم". به سخن دیگر، زنان از پذیرش صرف آداب و رسوم دینی سرباز زده و رفته‌رفته آن را بازآفرینی کرده و به شکلی درمی‌آورند که متناسب با سبک زندگی و عقاید جدیدشان شود.

شرایط علی‌بازتعریف دین در زندگی روزمره‌ی زنان

عواملی که پدیده‌ی بازتعریف دین در زندگی روزمره‌ی زنان را سبب شده‌اند عبارت‌اند از رسانه‌ها در تقابل با دین، تجربه‌های شخصی پرسش‌برانگیز از دین و نقش آموزش در ایجاد نگرش نوین به دین (تعامل با عقاید جدید دین‌دارانه).

رسانه‌ها در تقابل با دین: با شیوع اینترنت و افزایش میزان استفاده از آن رفته‌رفته عقاید و افکار متنوعی که در سرتاسر جهان وجود دارند شناخته‌شده‌تر شد. افراد متوجه طرز فکرهای دیگر و شیوه‌های زندگی دیگری شدند که شاید قبلاً آن‌ها را بعید یا قبیح می‌دانستند. مثلاً میترا در مصاحبه می‌گوید: «رسانه دین رو کمرنگ کرده چرا چون دنیا رو نشون داده. مثلاً مردم دارن میبینن که مردم تقریباً نیمه برهنه دارن این ساحل اون ساحل میچرخن هیچ اتفاقی هم نمیفته تبدیل به سنگ هم نمیشن هیچی هم نشده».

تجربه‌های شخصی تأمل‌برانگیز از دین: هر فردی در زندگی روزمره‌ی خود رویدادهای فراوانی را تجربه می‌کند که هرکدام می‌توانند تأثیری (هرچند کوچک) بر وی داشته باشند. این امر در مورد امور دینی هم صادق است. مثلاً فرد در طول زندگی خود ممکن است با موردی مانند تظاهر در دین‌داری روبرو شود. شهناز در این مورد می‌گوید: «الآن برای سازمان ما مدیری آمده است که پست می‌دهد به چادری‌ها و به شدت موافق چادری‌ها است من خودم اعتقادی به چادر ندارم و هیچ‌وقت این کار را نخواهم کرد می‌خواهم پست بگیرم یا نگیرم». چنین

تجربه‌هایی بالطبع می‌تواند سبب بازتعریف دین به شکلی شود که منطبق با تجربیات اخیر در زندگی فرد باشد.

آموزش در ایجاد نگرش نوین به دین: منظور از آموزش مواردی مانند تحصیلات دانشگاهی، سخنرانی‌ها، کتاب‌ها و استادان و غیره است. رفتن به دانشگاه، آشنایی و گفتگو با دیگران، گوش دادن به سخنرانی‌ها و خواندن کتاب‌ها، تحصیل در رشته‌های علوم انسانی و غیره توانسته است به فرد دیدگاه تازه‌ای نسبت به دین بدهد. از آنجایی که رفتن به دانشگاه مجرای است برای کسب تجربه‌ها و دانش بیشتر می‌توان انتظار داشت که سبب تغییراتی در تعریف‌ها و نگرش‌های افراد نسبت به دین بشود. در این مورد زهرا بیان می‌کند: "همین‌طور که بیشتر درس می‌خواندم بیشتر مطالعه می‌کردم تردیدهای اساسی تو من به وجود می‌ومد".

شرایط زمینه‌ای بازتعریف دین در زندگی روزمره‌ی زنان

بسترهایی که درون آن‌ها بازتعریف‌های از دین به وقوع پیوسته‌اند عبارتند از: تسلط ارزش‌های دینی، مذهبی و سنتی بر فرد و تعارض در خانواده نسبت به دین

تسلط ارزش‌های دینی، مذهبی و سنتی بر فرد: افراد در جوامع اسلامی در فرآیند جامعه‌پذیری اولیه آموزه‌های دینی فراوانی یاد می‌گیرند. کولت سابی^۱ (۲۰۰۷) معتقد است که منابع اصلی فرآیند جامعه‌پذیری دینی مدارس، خانواده و نهادهای دینی مثل مساجد هستند. در مطالعه‌ی حاضر هم بیشترین تأکید پاسخ‌دهندگان بر روی خانواده و تأثیر آن‌ها بوده است: مثلاً زهرا می‌گوید: «من از همون بچگی یعنی از همون کودکی‌ام احساس می‌کنم که به خاطر این‌که خانواده خیلی مذهبی‌ای داشتم تقریباً با دین آشنایی داشتم.» یا مثلاً فهیمه گفت: «پدر و مادرم مذهبی بودند همین‌طور خانواده‌ها، اقوام و فامیل هامون همه افراد مذهبی بودن اهل نماز و روزه و بالاخره مسائل و احکام مذهبی رو همیشه رعایت می‌کردن و ما هم قطعاً با این فرهنگ بزرگ شدیم».

تعارض در خانواده نسبت به دین: برخی از مشارکت‌کنندگان شرایط متفاوتی را تجربه کرده بودند. یعنی خودشان افراد مذهبی‌ای بودند ولی خانواده‌شان چنین نبوده و به واسطه‌ی دین‌داری به‌نوعی دچار دوگانگی میان دین و زندگی‌شان شده بودند. مثلاً زانی بودند که همسرانشان یا والدینشان یا فرزندان‌شان با اعتقادات مذهبی و حجاب و نوع لباس پوشیدن آن‌ها

1. Collet Sabe

مشکل داشتند. مثلاً می‌توان گفت همسرش به او گفته «قبلش نگاه کن ببین مردم چی می‌پوشن بعد برو خرید کن یعنی تو خیلی املی تو خیلی عقب مونده‌ای چرا مثلاً این جور لباس می‌پوشی دوست نداشتش دوست داشت لباس‌ها باز باشه مد باشه». چنین مواردی هم خود می‌تواند بستر ویژه‌ای برای بازتعریف دین فراهم کند.

شرایط مداخله‌گر بازتعریف دین در زندگی روزمره‌ی زنان

شرایط مداخله‌گر در بازتعریف دین در زندگی روزمره انجام تکالیف دینی در کودکی و یادگیری آموزه‌های دینی است. می‌توان گفت مقید بودن به انجام تکالیف در کودکی یا حضور در مدارس اسلامی خود می‌تواند در بازتعریف دین در بزرگسالی نقش داشته باشد. در خصوص به جا آوردن تکالیف دینی در دوران کودکی فریبا چنین می‌گوید: "آره آره دیگه بزرگتر شدیم خلاصه دیگه مسئولیت بلند شدن (برای سحری) و همه‌ی کارهاش به عهده خودمون افتاد. اما چون یه جورایی از قبل برامون وظیفه شده بود جزء مثلاً واجبات بود با میل و رغبت و با رضایت انجام می‌دادیم".

راهبردهای بازتعریف دین در زندگی روزمره‌ی زنان

می‌توان گفت که پس از بازتعریف دین در زندگی روزمره، زنان طی فرآیندی به سازگاری با تعارف جدید رسیدند که این فرآیندها تحت عنوان راهبردها عنوان شده‌اند و عبارت‌اند از دین‌داری مدرن، ارجحیت اخلاقیات فردی و دیدگاه مسالمت‌آمیز نسبت به عقاید افراد.

دین‌داری مدرن: بازتعریف‌های اتفاق افتاده در دین، زنان را به سمتی کشانده که آن‌ها دیگر به زندگی روزمره‌ی خود بیشتر از انجام تکالیف دینی اهمیت می‌دهند و دین را به شکلی که با زندگی روزمره‌شان سازگاری داشته باشد تغییر داده‌اند و در این مسیر شیوه‌ی انجام مناسک دینی را هم دستخوش تغییر کرده‌اند. البته این تغییرات باعث از بین رفتن کارکردهای دین در زندگی زنان نشده است. مثلاً فریبا می‌گوید: «برای این‌که وقت‌هایی که کم میاری احساس کنی یکی پشت سرت هست یه منبع بزرگ و قوی، احساس می‌کنم دین هم حتماً باید کنارش باشه اما نه به اون صورتی که حالا خودمون بزرگ شدیم و اون نگاه رو داشته‌ایم.» به این معنی زنان همچنان پایبند به دین هستند، البته با در نظر گرفتن برخی تغییرات در آن که خود باعث ایجاد تغییراتی در سبک تربیت فرزندان و به‌نوعی بازتولید آن می‌شود. از جمله این تغییرات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: حیواناتی مانند سگ را دیگر نجس نمی‌دانند (ریحانه)، گوش دادن به

موسیقی را حرام نمی‌دانند (فریبا)، دیدگاه متفاوتی نسبت به مراسم عزاداری پیدا کرده‌اند و ترجیح می‌دهند مثلاً به جای عزاداری کلاس‌های روانشناسی برگزار کنند (سارا).

ارجحیت اخلاقیات فردی: رویکرد دیگری که در بین مصاحبه‌شونده‌ها دیده می‌شد مربوط به ارجح دانستن اخلاقیات به مناسک دینی و دین‌دار بودن بود. مصاحبه‌شونده‌ها به کرات اشاره می‌کردند که انسانیت و اخلاق تأثیرگذارتر از دین‌دار بودن است. زنان برای افراد غیردین‌داری که اخلاق مدار بودند ارزش زیادی قائل بودند و حتی معتقد بودند در رعایت اصول دینی هم باید اخلاق را مراعات کرد و به عبارتی اخلاق را مقدم بر دین می‌دانستند و حتی برای کارهایی که جزو آداب و رسوم دینی است دلایل اخلاقی در نظر می‌گرفتند نه دینی. مثلاً شهنواز می‌گوید: «من خودم خیلی چیزها را به خاطر دین نیست که رعایت می‌کنم بحث دینی بودنش نیست در واقع بحث اخلاق و قانونی بودنش.»

دیدگاه مسالمت‌آمیز نسبت به عقاید افراد: از طرف دیگر بازتعریف‌های صورت گرفته در دین افراد را نسبت به پذیرش دیدگاه‌های دیگران منعطف‌تر کرده است و زنان ظاهراً به این دیدگاه نزدیک شده‌اند که دین امری شخصی است.

پیامدهای بازتعریف دین در زندگی روزمره‌ی زنان

پیامدهایی که بازتعریف دین در زندگی روزمره می‌تواند داشته باشد و در مطالعه‌ی حاضر به آن‌ها رسیدیم عبارتند از: عدم احساس گناه، پایبندی محدود به باورهای عرفی، مذهبی و سنتی، عدم سخت‌گیری به فرزندان در مورد دین و ایجاد سازوکارهای غیر دین‌دارانه. مثلاً نوشین گفته است که «مراسمی رو انجام ندادم مناسکی رو انجام ندادم نه احساس بدی دارم نه احساس گناهی دارم». نداشتن حس گناه خود می‌تواند از پیامدهای تغییر در عقاید دینی باشد ولی از طرفی دیگر هم باز خود می‌تواند سبب تشدید عمل نکردن به مناسک دینی شود.

زنان به‌اندازه‌ی قبل مقید به برخی اعمال دینی نیستند یا تغییراتی در آن به وجود آورده‌اند و در تربیت فرزندان هم سخت‌گیری نمی‌کنند یا عقیده‌ای را به آن‌ها تحمیل نمی‌کنند. مثلاً مهناز می‌گوید: «خودم به دخترم میگم جایی میریم روسریت رو بردار بزار باد بخوره تو موها تیه عکس ازت بگیرم که باد تو موها تیه». و علاوه بر این‌ها سازوکارهای غیر دین‌دارانه هم ایجاد می‌کنند مثلاً سمیرا می‌گوید: «من خیلی وقت‌ها می‌نویسم با خدا صحبت می‌کنم می‌نویسم دقیقاً خط به خط می‌نویسم.»

پس از به دست آوردن مدل پارادایمی پژوهش بر اساس مقولات محوری نوبت به کدگذاری گزینشی (انتخابی) می‌رسد. کدگذاری گزینشی یکپارچه‌سازی و پالایش مقوله‌ها است. اولین گام در یکپارچه‌سازی تعیین مقوله مرکزی است. مقوله مرکزی که آن را مقوله هسته خوانده‌اند نمایانگر مضمون اصلی پژوهش است. در پژوهش حاضر مقوله‌ی مرکزی را می‌توان "بازتعریف دین در زندگی روزمره" بیان کرد که برای رسیدن به این مقوله گزینشی از محور اصلی داستان استفاده شده است. به سخنی دیگر، بازتعریف دین در زندگی روزمره و طی کردن پروسه‌ی ایجاد دیدگاه‌های نو، بعدی جدید از دین‌داری را پدید آورده است.

نتیجه‌گیری

دین به عنوان بخش مهمی از فرهنگ جامعه ایرانی، در مسیر تحولات فرهنگی و اقتضانات نقش امروزی زن ایرانی در این جامعه قرار گرفته که وجهی نو از دین‌ورزی ایرانیان را شکل می‌دهد. از سوی دیگر تقلاي نهاد دین برای حفظ تسلط گفتمان و روایت رسمی از دین در عرصه عمومی دیده می‌شود. در این میان، زندگی روزمره برای زن ایرانی که بیش از مادران خود اشتغالات اجتماعی دارد و تصویر اجتماعی و هویت دیگری از خود بازشناخته، ملاحظات و معذورات ویژه‌ای برای دینداری او ایجاد کرده است. در نتیجه او برای سازگاری بین شرایط این زیست اجتماعی فعال «بیرون از خانه» و انتظارات دین از او، دست به بازتعریف از مفهوم دین، شریعت، الزامات تقید به دین و تمامی معرفت دینی خود می‌زند. پژوهش حاضر و یافته‌های آن متمرکز بر زمینه‌های اجتماعی این بازتعریف از دین در زندگی روزمره در زنان تهرانی، به‌ویژه دانشجویان بوده است. یافته‌های کیفی به دست آمده در این مطالعه به شکلی دیگر در نتایج پیمایش‌های ملی دینداری و ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، مورد تأیید قرار گرفته است.

بازتعریف دین در زندگی روزمره‌ی زنان، مقوله‌ی مرکزی پژوهش حاضر قلمداد می‌شود. در مطالعه‌ی حاضر می‌بینیم که زنان در زندگی روزمره‌ی خود به تعاریفی جدید رسیده‌اند و به سمت کنش‌هایی خودانگیخته و نه بازتولیدهای اجتماعی صرف پیش رفته‌اند که با دیدگاه هایدگر در مورد زندگی روزمره مبنی بر تکراری و غیرخلاقانه بودن آن (به نقل از لاجوردی، ۱۳۸۴) مطابقت دارد. چنین بازتعریف‌هایی شامل حجاب، مراسم‌های مذهبی (مانند مراسم هیئت‌های عزاداری، زیارت عاشورا یا مراسم شب‌های قدر)، نماز و روزه، روابط زن و مرد، خطبه‌ی عقد نکاح، استفاده از محصولات فرهنگی (فیلم، موسیقی)، نحوه گذران اوقات فراغت، خوردن مشروبات الکلی، ظهور منجی، تفسیر و نگاه به کتب دینی و توبه بودند.

یکی از علل بازتعریف دین در زندگی روزمره، همه‌گیری استفاده از رسانه‌ها و در دسترس بودن و تنوع زیاد آن‌ها بوده است. این نتیجه هم‌راستا با پژوهش مهدی‌زاده و زارع‌زاده (۱۳۹۴) است. مورد دیگر تجربه‌های شخصی تأمل‌برانگیز از دین بود که مک‌گوییر (۲۰۰۸) در این باره نشان داد تجارب زیسته‌ی افراد باعث بازتعریف دین‌داری آن‌ها می‌شود. علت سوم، مربوط به تأثیر آموزش در ایجاد نگرش نوین به دین است. منظور از آموزش مواردی مانند تحصیلات دانشگاهی، سخنرانی‌ها، کتاب‌ها و استادان و غیره بود. این یافته همسو با یافته‌ی دیلمقانی (۲۰۱۹) است که در مطالعه‌ای بر روی دانشجویان کانادایی به این نتیجه رسید که میزان وابستگی به دین و هم میزان مشارکت افراد در مراسم مذهبی پس از ورود به دانشگاه کاهش یافته است.

مصاحبه‌ها نشان دادند که بخشی از زمینه‌های بازتعریف دین عبارتند از: تسلط ارزش‌های دینی، مذهبی و سنتی بر فرد و تعارض در خانواده نسبت به دین. میزان تسلط ارزش‌های دینی، مذهبی و سنتی بر فرد در یک جامعه‌ی اسلامی بر کسی پوشیده نیست. افراد در چنین جوامعی در فرآیند جامعه‌پذیری اولیه، آموزه‌های دینی فراوانی را یاد می‌گیرند. همانطور که کولت‌سابی (۲۰۰۷) هم نشان می‌دهد منابع اصلی فرآیند جامعه‌پذیری دینی، مدارس، خانواده و نهادهای دینی مثل مساجد هستند. تعارض بین روایت‌های این عوامل جامعه‌پذیری از دین، خود زمینه‌ای بر بازتعریف دین در فرد خواهد بود.

شرایط مداخله‌گری (تسهیل‌کننده یا تحدیدکننده) در فرآیند بازتعریف دین عبارت بودند از: انجام تکالیف دینی، یادگیری آموزه‌های دینی و حضور در مناسک جمعی دینی. مثلاً حضور در مدارس اسلامی می‌تواند در بازتعریف دین در بزرگ‌سالی نقش داشته باشد. مطالعه‌ای پیشین در این زمینه نشان داد دانش‌آموزانی که در مدارس مذهبی پروتستان درس خوانده‌اند در بزرگ‌سالی بسیار مذهبی‌تر از کسانی هستند که در یک مدرسه سکولار تحصیل کرده‌اند (اوکر، ۲۰۰۹).

در فرآیند کدگذاری به چند راهبرد کنش و کنش متقابل رسیدیم که عبارت‌اند از دین‌داری مدرن، ارجحیت اخلاقیات فردی، دیدگاه مسالمت‌آمیز نسبت به عقاید افراد و پدیده نوظهور دین انسانیت. به‌عبارتی دیگر پس از ایجاد تعریف‌های جدید در دین‌داری، زنان طی فرآیندهای مذکور به سازگاری با تعاریف جدید رسیدند. نهایتاً پیامدهای بازتعریف دین در زندگی روزمره عدم احساس گناه، پایبندی محدود به باورهای مذهبی و سنتی، عدم سخت‌گیری به فرزندان در مورد دین و ایجاد سازوکارهای غیردین‌دارانه بود.

زندگی روزمره نه فقط ساحتی برای تقلید و انجام کنش‌های اجباری و تکراری آموخته‌شده (طبق دیدگاه ساختارگرایانه) بلکه محل ایجاد خلاقیت و کنش‌مندی است. همچنین طبق دیدگاه اتو (۱۳۸۰) «امر قدسی آن چیزی است که حرمت ما را نسبت به خود برمی‌انگیزد». از این رو عدم اعتقاد به انجام مناسک دینی یا کم‌رنگ‌تر شدن آن نشان از بی‌دینی نیست؛ بلکه مفاهیم قدسی (خدا و ائمه اطهار) همچنان در مقام تقدس برای اکثر صاحب‌شوندگان باقی‌مانده‌اند.

منابع

- اتو، رودلف (۱۳۸۰). مفهوم امر قدسی، ترجمه همایون همتی. تهران: نقش جهان.
- ارویولژه دانیل و همکاران (۱۳۹۵). دین در جوامع مدرن، ترجمه علیرضا خدامی، تهران، نشر تی.
- استراوس، آنسلم؛ کوربین، جولیت (۱۳۹۰). اصول روش تحقیق کیفی: نظریه مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها، ترجمه‌ی بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- اسدی، سیده مریم (۱۳۹۰). بررسی انواع دینداری در بین زنان شهرستان آمل (مقایسه دینداری دختران متولد دهه ۶۰ با دین‌داری مادرانشان). پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگی، دانشکده ادبیات و علوم فرهنگی، دانشگاه علم و فرهنگ تهران.
- ایزدی، فائزه؛ بررسی تطبیقی نظرات و نقش پیتر برگر در سیر تحولات جامعه‌شناسی دین، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته ادیان و عرفان تطبیقی، دانشکده علوم انسانی، گروه ادیان و فلسفه، دانشگاه کاشان، ۱۳۹۰.
- بایرناس، جان، تاریخ جامع ادیان، مترجم: علی اصغر حکمت، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۹۸.
- حسن پور، آرش؛ معمار ثریا. مطالعه‌ی وضعیت دین‌ورزی جوانان با تأکید بر دین‌داری خودمرجع (ارائه‌ی یک نظریه‌ی زمینه‌ای)، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران*، دوره هشتم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۴، ص ۹۹ - ۱۳۱.
- حضرتی صومعه، زهرا (۱۳۹۵). میزان دینداری زنان دانشجوی و عوامل اجتماعی مؤثر در آن (مطالعه‌ی موردی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران). *مطالعات راهبردی زنان*، سال نوزدهم، شماره ۷۳.
- روستا، مریم. پژوهشی کیفی درباره زندگی روزمره زنان در شبکه‌های اجتماعی مجازی (مطالعه موردی: زنان متأهل کاربر شبکه اینستاگرام)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی (۱۳۹۶).
- ریخته‌گران، محمدرضا (۱۳۸۲). مقالاتی درباره پدیدارشناسی، هنر، مدرنیته، تهران، ساقی.

- زالی، فرزانه (۱۳۹۵). بررسی و نقد منشأ دین در رهیافت کلامی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز، دانشکده الهیات و علوم اسلامی، گروه فلسفه و لام اسلامی، رشته کلام اسلامی.
- عزیزآبادی، زهره و کیان‌پور، مسعود (۱۳۹۸). جامعه‌شناسی احساسات مذهبی در زندگی روزمره (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه تهران)، *جامعه‌شناسی کاربردی*، بهار ۱۳۹۸، شماره ۷۳، از ۷۳ تا ۹۰.
- فرجی، مهدی و کاظمی، عباس (۱۳۸۸). بررسی وضعیت دین داری در ایران: (با تاکید بر داده های پیمایش های سه دهه گذشته)، *تحقیقات فرهنگی ایران*، دوره: ۲، شماره: ۲ (پیاپی ۶).
- فورشت، اینگرید و رپستاد، پل (۱۳۹۴). *درآمدی بر جامعه‌شناسی دین*. مترجم: مجید جعفریان. انتشارات دانشگاه غیردولتی و غیرانتفاعی ادیان و مذاهب، لوح فکر.
- قنبری، حسن (۱۳۹۰). دین از نگاه میرچا الیاده، *مجله ادیان و عرفان*، سال چهل و چهارم، شماره یکم، صص ۱۱۷-۱۲۸
- کاظمی عباس (۱۳۸۸). پرسه زنی و زندگی روزمره ایرانی، تهران، انتشارات آشیان.
- کاظمی، عباس (۱۳۹۸). پروبلماتیک زندگی روزمره در مطالعات فرهنگی و نسبت آن با جامعه‌ایران. *فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*.
- کرسول، جان. دلبلیو (۱۳۹۱). طرح پژوهش (رویکردهای کمی، کیفی و شیوه ی ترکیبی)، ترجمه ی حسن دانائی فرد و علی صالحی، تهران: موسسه کتاب مهربان نشر.
- گیدنز، آنتونی؛ جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی، ۱۳۸۶، چاپ بیستم.
- لاجوردی هاله (۱۳۸۴)، نظریه‌های زندگی روزمره، *فصلنامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۶.
- محمدی، ج. و سالم، ه. و پاکدامن، ی. (۱۳۹۷). زندگی روزمره در مهمانی های زنانه (مورد مطالعه: زنان خانه‌دار شهر همدان). *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ۱۱۴ (۵۱).
- مدیری، فاطمه؛ آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۲). جنسیت و دینداری. *جامعه‌شناسی کاربردی*. سال بیست و چهارم، شماره پیاپی (۵۱)، شماره سوم.
- مهدی زاده، ش. و زارع زاده غیاث آبادی، ف. (۱۳۹۴). رسانه و دین داری در میان جوانان. *دین و ارتباطات*، ۲۲ (۱) (پیاپی ۴۷)، ۱۴۵-۱۷۷.
- ناس، جان بایر، ۱۳۸۱، تاریخ جامع ادیان، ترجمع علی اصغر حکمت، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- نوربخش، یونس و جعفری کافی آباد، صابر (۱۳۹۶). روایت پژوهی تجارب زیسته‌ی دینی دانشجویان. *دین و سیاست فرهنگی*، سال چهارم شماره ۲ (پیاپی ۹).
- هاشمی، ضیا و شریفی، سارا (۱۳۹۵) فهم تجربه‌ی زیسته‌ی دانشجویان غیرمذهبی از طرد و پذیرش (مورد مطالعه: دانشجویان کارشناسی ارشد رشته‌های علوم اجتماعی دانشگاه تهران و دانشگاه علامه طباطبایی)، *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، دوره ۷، شماره ۱، صفحه ۱۵۵ تا ۱۷۸.

- Anvar, M. (2015). Women and religious practices in Uzbekistan: transformation and changes in the capital of Uzbekistan in the light of the post-Soviet period (Doctoral dissertation, University of Sussex).
- Aslam, F. (2017). Pushing boundaries: Islamic feminism in Iran (Doctoral dissertation, Columbia University).
- Berger, P. L. (2011). The sacred canopy: Elements of a sociological theory of religion. *Open Road Media*.
- Berger, Peter L. & Hansfried Kellner; (1977), *Marriage and the Construction of Reality*. In Peter L. Berger (ed.) Facing Up to Modernity, New York: Basic Books, pp. 27–47.
- Berghammer, C., & Fliegenschnee, K. (2014). Developing a concept of Muslim religiosity: an analysis of everyday lived religion among female migrants in Austria. *Journal of Contemporary Religion*, 29(1), 89-104.
- Collet Sabe, J. (2007); "The crisis in religious socialization", *Social Compass*, 54(1):97-111.
- Dilmaghani, M. (2019). Religiosity, secularity and fertility in Canada. *European Journal of Population*, 35(2), 403-428.
- Dilmaghani, Maryam (2019) Education and religious decline: evidence from the Canadian compulsory schooling laws, *Education Economics*, 27:3, 287-307, DOI: 10.1080/09645292.2019.1580349
- Habermas, Jürgen; (1980), Legitimation Crisis, London: Heinemann.
- Hall, David D., ed. *Lived Religion in America: Toward a History of Practice*. Princeton UP: Princeton, 1997.
- Highmore, Ben (2002) *Everyday Life and Cultural Theory*, London and New York, Routledge.
- Jomepour, R. (2015). Women in Iran: ancient history to modern times, and back (Doctoral dissertation, Iowa State University).
- Ocker, C. (2009). Scholastic Interpretation of the Bible. A History of Biblical Interpretation, Vol. 2: *The Medieval Through the Reformation Periods*, 2, 266.
- Saavedra Corrada, Maria M. (2022) The Virgin of Altagracia in the Intra Caribbean migration context; An intersectional study of migration and lived religion of Dominico Puerto Rican women. PhD thesis.